

مقاله پژوهشی: بررسی و مقایسه شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای آسیای

میانه عضو گروه اسلام‌گرایی افراطی

(مورد مطالعه: گرایش به داعش)

[20.1001.1.33292538.1400.11.41.10.8](https://doi.org/10.1001.1.33292538.1400.11.41.10.8)

محمد فرهادی^۱، مجتبی عباسی قادی^۲، محسن دیانت^۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۰

چکیده

مقاله حاضر درصدد بررسی و مقایسه شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه عضو گروه اسلام‌گرایی افراطی (مورد مطالعه: گرایش به داعش) بوده است. از این منظر پس از ارائه رویکردهای نظری در جهت تبیین موضوع، داده‌های پژوهش با استفاده از روش کمی و از نوع تحلیل ثانویه و نیز پرسشنامه معکوس با رجوع به آمار و ارقام شاخص‌های توسعه فرهنگی منتشرشده در سایت مؤسسه مطالعات بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵) گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS18 در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی مورد آزمون و تحلیل قرار گرفته است. به‌منظور اعتبارسنجی ابزار از اعتبار محتوایی صوری کیفی و جهت پایایی سنجی ابزار از قابلیت تکرارپذیری به‌واسطه استفاده از ضریب پایایی استفاده شده است که میزان آن بالای ۰/۸ برآورد شده است. یافته‌های پژوهش نشان داده است که نخست بین شاخص کل توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ مشاهده شده است (P<0/01). دوم، بین شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است به‌صورت تفکیکی نیز تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ مشاهده شده است (P<0/01) و سوم، بین اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه برحسب شاخص‌های توسعه فرهنگی تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ مشاهده شده است (P<0/01). به این ترتیب که اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه در رابطه با شاخص‌های توسعه فرهنگی به ترتیب: شاخص هزینه‌های آموزشی با میانگین رتبه ۲/۶۱، نوآوری با میانگین رتبه ۲/۵۶، شاخص آموزش با میانگین رتبه ۲/۴۶ و توسعه انسانی با میانگین رتبه ۲/۲۸ بوده است.

۱. دکترای مطالعات منطقه‌ای گرایش روسیه و آسیای مرکزی (نویسنده مسئول)

farhadi_m222@yahoo.com

۲. دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم آکادمی تاجیکستان.

۳. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور.

کلیدواژه‌ها: اسلام افراطی، آسیای میانه، داعش، توسعه فرهنگی، شاخص‌های توسعه فرهنگی

مقدمه

در خصوص روند گسترش بنیادگرایی دو رویکرد کلان وجود دارد: یکی اسلام‌گرایی و گسترش آن را ذاتاً در دین اسلام می‌بیند و به‌طور عمده این دین را رادیکال تلقی می‌کند، اما گروه دوم درست در نقطه مقابل گروه اول معتقد است روند مدرنیته و غربی و عرفی شدن سبب واکنش افراطی در میان گروه‌های اسلامی شده است. آن‌ها استدلال می‌کنند که در مواجهه دو سدهٔ اخیر مسلمانان با تمدن غرب، ضعف مسلمین موجب بروز واکنش‌های تدافعی‌ای شد که ویژگی اصلی آن ترس از فروپاشی هویت بود؛ عمل برخاسته از چنین ترسی در برخی موارد دیوار کشیدن به دور خود و عزلت‌گزینی بود و در برخی موارد عمل کردن بر وفق استعارهٔ جنگ که در آن بازیگران صحنه به‌جای تعامل به تدافع یا تهاجم می‌پردازند. در راستای نظریات فوق با قائل شدن به نظریات گروه دوم می‌توان استدلال نمود که آسیای مرکزی جامعه‌ای در حال گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مدرن است، بنابراین چالش سنت و مدرنیته همواره در تضاد و تقابل است به‌خاطر اینکه جامعه مسلمانان مانند دیگر جوامع از یک‌سو جامعه‌ای سنتی مبتنی بر دین است و از سوی دیگر جامعه‌ای که می‌خواهد هم‌زمان با جوامع هم‌عصر خود حرکت کند و از قافله مدرنیته عقب نماند در نتیجه تضاد و بی‌هویتی بروز و ظهور می‌کند و فقدان توسعه به معنای پایدار آن و در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و خاصه فرهنگی زمینه گسترش این روند را تشدید نموده و شرایط لازم را برای گسترش اسلام‌گرایی فراهم می‌کند (موسوی، ۱۳۹۹: ۶۷-۵۰). این مباحث در ابعاد مختلف سبب شده است تا آسیای مرکزی از دو جنبه پذیرای اسلام‌گرایی گردد: از یک جنبه منطقه‌ای بکر و ژئوپلیتیکی عالی برای تجمع گروه‌های اسلام‌گرا شود و از سوی دیگر فقدان توسعه فرهنگی، عدم ثبات فرهنگی، عدم برخورداری از جریان آزاد اطلاعات، فقدان نهادینه شدن ارزش‌های متعالی اسلامی... همه و همه از یک طرف باعث ناکارآمد جلوه کردن دولت ملی شده و روند حرکت‌های رادیکال بنیادگرا را تسریع می‌بخشد و از طرف دیگر کشورهای آسیای میانه که با سرعت با مشکلات جدی فرهنگی و اجتماعی و در بعد کلی توسعه‌ای روبرو هستند را دچار بروز و گسترش هویت‌یابی‌های

قومی و ناسیونالیستی می‌کند؛ اما با توجه به مشکلات عدیده و گسترده در حوزه‌های مختلف در این کشورها این بار ناسیونالیسم جهت‌گیری ملی به خود نگرفته، بلکه در راستای جهت‌گیری اسلامی حرکت می‌کند با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی و تأثیر توسعه فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی بر گرایش به سوی اسلام‌گرایی افراطی بپردازد.

بیان مسئله

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، مسئله بازگشت میلیون‌ها مسلمان آسیای مرکزی به جهان اسلام، توجه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرد. در حقیقت، فروپاشی شوروی نه تنها باعث استقلال پنج جمهوری آسیای مرکزی شد، بلکه اسلام را از ایمان اقلیت (به سبب عدم امکان بروز تمام و کمال در دوره شوروی) به ایمان اکثریت تبدیل کرد. این حقیقت که دین می‌تواند به عنوان عنصری قوی در هویت سیاسی در نظر گرفته شود، مانند ملی‌گرایی به عنوان ویژگی بارز سیاست خارجی در روابط بین‌الملل معاصر در آسیای مرکزی مدنظر قرار گرفت. به بیان دیگر، بازگشت این کشورها به عرصه فرهنگ اسلامی تا حدی بود که از این عامل به عنوان یکی از ویژگی‌های مشخصه ملی نیز در این کشورها بهره‌برداری شد. در تاجیکستان، جنگ داخلی که از سال ۱۹۹۲ میلادی بین کمونیست‌ها و نیروهای ملی-اسلامی درگرفته بود، موجب به وجود آمدن نگرانی‌هایی از قوت‌گیری اسلام افراطی و بنیادگرایانه شده بود. تهدید گسترش بنیادگرایی اسلامی در سه کشور تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان بیشتر خودنمایی کرد. زمینه این گونه تمایلات به‌ویژه در دره فرغانه وجود داشت و در صورت تشدید می‌توانست ازبکستان و قرقیزستان را نیز به‌طور مستقیم درگیر کرده و به سایر کشورهای منطقه نیز سرایت کند (عزیزی، ۱۳۹۱: ۳۵).

عوامل متعددی در این زمینه دخیل هستند از جمله این عوامل می‌توان به فقدان توسعه اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر شاخص‌هایی همچون بهره‌گیری نامناسب از مؤلفه‌های فرهنگی در دو بُعد ملی و اسلامی، اتخاذ سیاست‌های فرهنگی نامناسب و متکی به

ارزش‌های ملی، نادیده گرفتن ارزش‌ها و مؤلفه‌های ناب اسلامی، سکولاریزه کردن جامعه، حذف ارزش‌های مقدس و معنوی در سایه‌ی حکومت‌های سکولار و اقتدارگرا به همراه نظام بهداشت و درمان نامناسب، فقدان نیروی انسانی آموزش‌دیده و متخصص، نرخ بالای بیماری‌های واگیردار و غیرواگیردار و همچنین آیدز به همراه نرخ بالای مرگ‌ومیر کودکان، نرخ پایین امید به زندگی که به‌طور میانگین بین ۶۴/۸ و ۶۷/۸ سال در کشورهای منطقه است در مقایسه با اروپای غربی که ۸۰/۴ و هزینه بالای بهداشتی و درمانی را می‌توان برشمرد (Diyanat and Others, 2019: 43-44). موارد فوق سبب شده است تا دولت‌های منطقه مبادرت به دو دسته اقدام نمایند: نخست، اقدام به ایجاد تغییراتی سریع و ناگهانی در جامعه، شهرنشینی و اقتصاد نمودند و دوم، در سال ۱۹۹۰ میلادی هرچند برخی از رژیم‌های آسیای میانه سطحی از آزادی‌های اجتماعی را در دسترس شهروندان خود قرار دادند، اما اکنون بدون ریشه‌کنی فقر گسترده، دستیابی به اهداف و شاخص‌های قوی توسعه، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی مورد نظر در این کشورها دشوارتر از همیشه است؛ چراکه این کشورها می‌بایست میان بخش فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی با شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدید هماهنگی و سازگاری بیشتری ایجاد می‌کردند، اما به‌رغم تلاش‌های گسترده برای انجام اصلاحات در نظام فرهنگی و آموزشی، کشورهای آسیای مرکزی قادر نبودند استانداردهای لازم را برای نهادهای سازی ارزش‌های فرهنگی و آموزش جوانان فراهم نمایند؛ بنابراین همین موضوعات سبب بحران توسعه فرهنگی و اجتماعی در این منطقه شده است؛ بنابراین فقدان توجه به توسعه فرهنگی و اجتماعی در کنار نارسایی‌های توسعه سیاسی و اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی که پس از فروپاشی شوروی با یک خلأ قدرت و خلأ ایدئولوژیک روبرو بود؛ مردم و روشنفکران را در فکر الگویی برای جایگزین آن نمود؛ بنابراین ناسیونالیسم و اسلام دو الترناتیو برای پر کردن این خلأ معرفی شدند و از دیدگاه مردم و نخبگان بازگشت به هرکدام از این الترناتیوها بازگشت به اشکال خویش‌شناسی و جستجو در اصلیت خودشان است. ابتدا جنبش ناسیونالیستی در این منطقه مطرح بود که به علت تأثیرات جهانی شدن، مشکلات

اقتصادی، تأثیر نیروهای خارجی، عدم توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ناسیونالیسم نتوانست جهت‌گیری ملی به خود گرفته، بلکه در راستای حرکت‌های افراطی و بنیادگرایانه در قالب اسلام حرکت کرده است. به همین دلیل این مسئله خود یکی از زمینه‌های مناسب برای گسترش اسلام‌خواهی در منطقه فراهم کرده است. با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی و مقایسه شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه عضو گروه اسلام‌گرایی افراطی (مورد مطالعه: گرایش به داعش) بپردازد؛ بنابراین، هدف اصلی مقاله بررسی چگونگی تأثیرگذاری عدم توسعه فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی بر رشد و گسترش گروه‌های اسلام‌گرایی افراطی در منطقه و همچنین تأثیر این مسئله بر گرایش مردم منطقه به این گروه‌ها است، اما هدف جزئی این مقاله بررسی رابطه بین شاخص هزینه‌های آموزشی، شاخص نوآوری، شاخص آموزش و شاخص توسعه انسانی زیر عنوان شاخص‌های توسعه فرهنگی و تأثیر آن‌ها بر گرایش به اسلام‌گرایی افراطی در منطقه است. از این رو، سؤال اصلی تحقیق حاضر عبارت است از اینکه: «آیا بین شاخص‌های توسعه فرهنگی و گرایش به اسلام‌گرایی افراطی در آسیای مرکزی تفاوت وجود دارد؟»

اهمیت و ضرورت

در خصوص اهمیت مقاله می‌توان بیان داشت که عدم توسعه‌یافتگی از جمله توسعه فرهنگی و ناتوانی حکومت‌ها در جهت برطرف نمودن این ضعف‌ها، سبب شده تا روند گسترش اسلام‌گرایی در داخل منطقه افزایش یافته و مشروعیت نظام حاکم بر کشورهای آسیای مرکزی را دچار چالش سازد و زمینه برای ارتباط گروه‌های اسلام‌گرا در درون منطقه با دیگر گروه‌های خارج از منطقه را فراهم سازد؛ بنابراین بررسی نقش و تأثیر عدم توسعه فرهنگی در ایجاد این وضعیت و گرایش مردم منطقه به سمت گروه‌های افراطی و بنیادگرا از جمله داعش بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا به دست‌اندرکاران حوزه سیاست‌گذاری و امنیتی در جهت ترسیم محیط مناسب امنیتی از منطقه براساس روند

تحولات جاری و آینده و همچنین ارتباط بین ستیزه‌های نوین از جمله اسلام‌گرایی و چالش‌های امنیتی منطقه در متن منافع ملی ایران و منافع کشورهای آسیای مرکزی کمک کند. در راستای ضرورت مقاله نیز می‌توان بیان داشت این مقاله با ارائه درکی درست از وضعیت فرهنگی منطقه نشان می‌دهد که چگونه به‌رغم برخوردار بودن منطقه از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فرهنگی، اما کشورهای منطقه نتوانسته‌اند میان شاخص‌های توسعه فرهنگی سازگاری بیشتری ایجاد کرده و استانداردهای لازم برای توسعه فرهنگی را فراهم نمایند. همین موضوعات ضمن تشدید بحران توسعه در بُعد فرهنگی آن زمینه برای رشد و گرایش گروه‌های افراطی و رادیکال را فراهم نموده است؛ بنابراین، عدم انجام این مقاله می‌تواند باعث ابهام و غفلت در نوع نگاه راهبردی ایران به منطقه شود؛ زیرا عدم شناخت درست از روند گسترش و گرایش گروه‌های افراطی در منطقه ضمن تأثیر منفی بر منافع ملی ایران تهدیدات را به درون مرزهای جمهوری اسلامی ایران خواهد کشاند.

پیشینه پژوهش

به‌طور کلی مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به پدیده اسلام‌گرایی افراطی در منطقه توجه داشته‌اند. به این ترتیب که برخی مطالعات همچون تولیف (۲۰۱۶) و سومکین (۲۰۱۶) و دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک جامی (۱۳۹۵) به اهمیت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی در حوزه‌های تروریسم، مواد مخدر و اقتصادی پرداخته که مورد توجه قدرت‌های بیگانه بوده است. همچنین برخی از مطالعات نظیر گزارش از پیکارجویان داعش از (۲۰۱۵-۲۰۰۵)، کاظمی و همکاران (۱۳۹۵)، اسلامی محسن و ایاز (۱۳۹۶)، مجیدی و باقری (۱۳۹۷)، دهشیری و جوزانی کهن (۱۳۹۲) به سبب‌شناسی و عوامل مؤثر بر رشد و گسترش اسلام‌گرایی افراطی در منطقه آسیای مرکزی پرداخته‌اند و در این زمینه به عواملی همچون مسئله رشد جمعیت، بیکاری و عدم رشد اقتصادی، شکاف فزاینده درآمدی، فقر، عدم دسترسی به امکانات آموزشی، تحصیلات، بیمه و به‌طور کلی

محرومیت‌های گسترده اقتصادی و سیاسی و به حاشیه رانده شدن توسط گروه اندکی از نخبگان حاکم، فعالیت حزب‌های بنیادگرا، نفوذ تفکر افراطی، عدم توسعه‌یافتگی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، وجود منابع معدنی غنی در این منطقه، وجود دو کشور مسلمان بنیادگرا (پاکستان و افغانستان) در همسایگی کشورهای این منطقه، نزدیکی کشور روسیه به این منطقه، حضور مسلمانان غرب چین (در استان سین کیانگ) در نزدیکی و همسایگی کشورهای منطقه آسیای مرکزی، راهبرد داعش در بین‌المللی کردن خود، فقدان دموکراسی و فقدان حقوق شهروندی، استفاده ابزار از دین از سوی رژیم‌های حاکم منطقه، نقش فضای مجازی در ایجاد شبکه‌ای از سلول‌های تروریستی در آسیای مرکزی اشاره کردند.

در یک ارزیابی کلی می‌توان چنین بیان داشت که پژوهش‌های انجام‌شده در دو بخش داخلی و خارجی با توجه به رویکرد پژوهشی خود به جنبه‌هایی از سبب‌شناسی موضوع توجه نموده و بنابراین به بررسی و تأثیر شاخص‌های توسعه فرهنگی بر گرایش و گسترش اسلام‌گرایی افراطی کمتر توجه کرده‌اند؛ امری که پژوهش حاضر درصد تحقق آن است.

اهمیت فرهنگی آسیای مرکزی

در قلب قاره‌ی گول‌پیکر اوراسیا منطقه‌ی وسیعی واقع شده است که قلمرو چندین کشور را شامل می‌شود، منطقه‌ای که به معنای وسیع‌تر، اوراسیای مرکزی و در معنایی محدودتر، آسیای میانه یا ترکستان نیز نامیده می‌شود و دربرگیرنده‌ی مناطقی از استپ‌های پرچمن، نیمه بیابان‌های شور، صحراهای شنی و کوه‌های مرتفع است که تا سقف جهان بالا می‌روند.

قرینه‌ای با این ارتفاع جغرافیایی، تاریخ این منطقه نیز از نظر حوادث اجتماعی و فرهنگی بسیار غنی و سرشار است، غنایی که سرچشمه‌های آن را باید در دوران باستان جستجو نمود. به این ترتیب، موقعیت بین سه تمدن باستانی آسیای میانه، هند و چین، مدت‌ها است که شخصیت و ماهیت انتقال و «گذار» این منطقه را تعیین می‌کند. درواقع، در

قرون وسطی اولیه، مراکز فرهنگی باستانی منطقه از قبیل خوارزم، سغد، بلخ (باختریا)، مرو (مارگیانا)، نه تنها به مراکز زندگی کشاورزی و تجاری، بلکه به مراکز دین، فرهنگ و هنر اسلامی نیز تبدیل شده‌اند. ظهور فرهنگ ایرانی و آغاز دوره کلاسیک ادبیات فارسی، در دوران دولت سامانیان (قرون سوم و چهارم ه.ق) با نام این منطقه پیوند خورده است. در چنین روزگاری، شهرهای اصلی سغد، بخارا و سمرقند به جایگاه ویژه‌ای ارتقا یافته و طی هزار سال کامل به پایتخت ماوراءالنهر تبدیل شدند (Санкт-Петербургский, 2017: 3-8)؛ بنابراین، با ابتناء به حوزه‌های تمدنی ایران، هند و چین می‌توان خاطر نشان کرد که آسیای میانه یکی از باستانی‌ترین گهواره‌های تمدن بشری است که دارای تاریخی بسیار غنی و میراث فرهنگی پویا و زنده‌ای است. پرواضح است که موقعیت جغرافیایی این منطقه به‌عنوان تقاطع بین شرق و غرب، عاملی طبیعی در خلق قرن‌ها گفتگو و تعامل فرهنگ‌ها، زبان‌ها و ادیان در امتداد جاده‌ی ابریشم بوده است. بدین‌سان، اشتراکات در تاریخ، فرهنگ و توسعه‌ی سیاسی-اجتماعی پنج کشور اصلی این منطقه، یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان، با اتکاء به چنین خاستگاه تاریخی-تمدنی یکسانی، قابل تبیین است (Байдаров, 2017: 2-9). استوار بر این استدلال می‌توان گفت که فرهنگ منطقه، اوج موفقیت‌های هنری را به جهانیان نشان داده و به بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ جهانی تبدیل شده است. موقعیتی که توسط «کریموف»^۱ رئیس‌جمهور ازبکستان، به این نحو بیان می‌شود که «توجه ویژه باید به احیای اصالت فرهنگ ملی باشد. علاوه بر این، احیای هویت ملی نمی‌تواند از آرمان‌های فرهنگ انسان‌گرایانه‌ی جهان و احیای عمومی جامعه جدا شود» (Каримов, 1996: 248).

در همین راستا و در خصوص اهمیت فرهنگی آسیای مرکزی در مقدمه‌ی کتاب درسی «تاریخ قزاقستان و آسیای میانه» به این موضوع اشاره شده است که اشتراک در سرنوشت‌های تاریخی، شرایط جغرافیایی و اعمال قواعد فرهنگی مشترک، منتج به آن شده است که آسیای میانه و قزاقستان همیشه در نقشه‌ی اوراسیا «ایالت» ی کامل و از نظر

تاریخی - فرهنگی منحصر به فرد باشد. علاوه بر این، نه تنها وحدت فرایندهای قومی فرهنگی نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کرد، بلکه عدم وجود مرزهای داخلی باعث ارتباطات مداوم و گسترده‌ی درون منطقه‌ای می‌شده است. دقیقاً به همین دلیل آسیای میانه همیشه منطقه‌ای خودکفا و یکپارچه با فرایندهای فرهنگی و تاریخی روشن، بوده است (Байдаров, 2017: 3-7). نیاز به گفتن نیست، منطقه‌ای که بین تمدن‌های بزرگ دوران باستان، قرون وسطی و دوران مدرن واقع شده و از دوران باستان تاکنون عرصه‌ی روندها و رویدادهای مهم تاریخی و سیاسی بوده است، بدیهی است که از نقطه‌نظر فرهنگی و اجتماعی برخوردار از جایگاه بسیار مهمی حتی در افق جهانی باشد. بدین‌سان، آسیای مرکزی و ازبکستان سرزمینی است که از زمان‌های بسیار قدیم، شاهد مهاجرت اقوام، ادغام و تسطیح فرهنگ‌ها، روابط فشرده‌ی نظامی - سیاسی، اقتصادی، فرهنگ قومی بین آسیای غربی، اروپا، هند، چین و قفقاز بوده است (Каримов, 1997: 12).

به این ترتیب، برای هزاره‌ها، آسیای میانه محل دیدار و همزیستی متنوع‌ترین ادیان، فرهنگ‌ها و روش‌های زندگی بوده است و همین خصلت، مدارا و گشودگی قومی را به هنجارهای طبیعی لازم برای بقا و توسعه در این منطقه تبدیل نموده است؛ خصلتی که در کتاب «ازبکستان در آستانه‌ی قرن ۲۱» مورد اشاره قرار گرفته است. افزون بر این، اشاره به این نکته است که حتی کسانی که این سرزمین‌ها را فتح کردند، نه تنها نسبت به فرهنگ مردم بومی آن با تساهل برخورد نمودند، بلکه هنجارها، ارزش‌ها، سنت‌ها و عناصر دولتی را که در این قلمرو وجود داشت، با دقت پذیرفتند (Мисрбек кизи, 2016: 2-9). مبتنی بر چنین خصایص و ظرایفی است که می‌توان گفت آسیای میانه نه تنها یک جغرافیا و ژئوپلیتیک ویژه، بلکه یک فضای فرهنگی واحد است. به این معنا که مردمان ساکن در آن، دارای ارزش‌های معنوی مشترک، سنت‌های مشابه و آداب و رسوم ملی، گذشته‌ی تاریخی مشترک و فرهنگ شرقی باستان هستند (АБИШЕВА, 2014). جایگاه و اهمیت فرهنگی آسیای مرکزی را می‌توان با استناد به گفته‌ی «بودین»^۱ شرق‌شناس معروف قزاق، مبنی بر

اینکه «... آسیای میانه... منطقه‌ی خاصی از فرایندهای نژادزایی بود. قبایل و اقوام در اینجا با کیفیتی جدید برخاسته، ناپدید شده و دوباره ظهور کردند. این ارتباطات و فرایندها متنوع و چندوجهی بودند و نتایج گوناگونی را در مناطق مختلف آسیای میانه به وجود آوردند؛ اما نکته‌ی اصلی این است که این منطقه یک مرکز خاص، یک قلمرو ویژه از نژادزایی و همچنین انواع پیوندهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک بود» (Байдаров, 2017: 3-5)، به‌عنوان حسن ختام این بخش به پایان برد. در کل می‌توان گفت به‌رغم مرزهای سیاسی‌ای که کشورهای منطقه‌ی آسیای میانه را از هم جدا می‌کند، مردم این منطقه در یک فضای فرهنگی و تمدنی واحد زندگی می‌کنند و دارای سنت‌ها، فرهنگ، دین و تاریخ مشترک هستند. از این رو، تفکیک میراث تاریخی، فرهنگی و تمدنی منطقه اگر غیرممکن نباشد بسیار دشوار می‌نماید؛ بنابراین، این منطقه به‌طور مساوی به کل جمعیت فضای فرهنگی و تمدنی آسیای میانه تعلق دارد و درک این امر به ایده‌های جدیدی برای ادغام منطقه‌ای منجر می‌شود (Байдаров, 2017: 4-8).

بنیادگرایی اسلامی و انواع آن

بنیادگرایی اسلامی گفتمانی است که حول مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. این گفتمان مدعی است که اسلام از نظریه سیاسی راجع به دولت و سیاست برخوردار است. از این رو میرسکی بر این باور است که «اسلام‌گرایی نوعی جنبش سیاسی براساس ایدئولوژی افراطی است و بنیادگرایی از ضرورت‌های اساسی آن به شمار می‌رود. به اعتقاد طرفداران این جنبش، تمامی مشکلات جوامع مسلمان به جدایی از بنیان‌های اسلام راستین بازمی‌گردد؛ توسل به دیگر اندیشه‌های بیگانه نیز از جمله دلایل مشکل جوامع و کشورهای مسلمان به شمار می‌رود» (Grinin and Korotayev, 2019: 61-6). از منظر این گفتمان، بازگشت به اسلام به‌عنوان تنها راه‌حل بحران‌ها و چالش‌های معاصر تلقی می‌شود. از این رو هدف اساسی این گفتمان بازسازی جوامع اسلامی مطابق با اصول بنیادین اسلامی است و در این راستا کسب قدرت سیاسی مهم‌ترین دغدغه متفکران و معتقدان به آن جهت

دستیابی به اهداف تلقی می‌شود. از آنجا که می‌توان گفت اسلام‌گرایی پاسخی به بحران‌های موجود جامعه است؛ بسته به میزان و شدت بنیادگرایی در طیف گسترده‌ای قابل بررسی است که در سمت رقیق آن توسلات روحانی و معنوی و در سوی غلیظ آن خشونت انقلابی را می‌توان یافت. به هر میزان که بحران‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌تر باشند پاسخ بنیادگرایان انقلابی‌تر است (عزیزخانی، ۱۳۸۸: ۶۲).

نقش و تأثیر عدم توسعه فرهنگی در گرایش به اسلام‌گرایی افراطی در منطقه

ربع پایانی قرن بیستم با پدیده چرخش فرهنگی، به همراه پدیده پسامدرنیته و پساساختارگرایی، هم در بُعد واقعیت اجتماعی و هم در بُعد تحلیل اجتماعی، مصادف بوده است. این چرخش نه تنها نشان‌دهنده اهمیت بیش‌ازپیش نقش فرهنگ در زندگی انسان‌ها و در علوم انسانی و اجتماعی است، بلکه نشان‌دهنده فهم درست‌تر و عمیق‌تر از نقش و قدرت فرهنگی در انواع ساحت‌های زندگی بشری و تحلیل اجتماعی است (پناهی، ۱۳۹۴: ۱)؛ چراکه توسعه اجتماعی - فرهنگی در قالب اهمیت دادن به ارزش‌های محلی و ملی، منجر به خودباوری جامعه شده و این مسئله خود در شکل‌گیری و هویت اجتماعی - فرهنگی جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کند. این موضوع در آسیای مرکزی از اهمیت دوچندانی برخوردار است؛ چراکه دین، زبان، قومیت و تاریخ این منطقه از جمله مهم‌ترین عوامل در توسعه فرهنگی در این منطقه به شمار می‌روند. توسعه فرهنگی آسیای مرکزی از دل تاریخ و با تکیه بر فرهنگ فارسی - ترکی و همچنین فرهنگ اسلامی شکل گرفته است. با توجه به این تنوع فرهنگی، دولت‌های آسیای مرکزی می‌توانند با تکیه بر این عوامل، فرایند ملت‌سازی و گسترش حس همبستگی ملی را در میان مردم تداوم و سرعت ببخشند. هر یک از این عوامل نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت مردم منطقه ایفا می‌کند. به‌رغم تلاش‌های بسیار در دوران اتحاد جماهیر شوروی برای بین بردن فرهنگ و رسوم سنتی در منطقه و جایگزینی آن با مدل کمونیستی - روسی، مردم منطقه هویت تاریخی و فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند (Woo Choi, 2014: 3-17). علاوه بر آن، بعد از فروپاشی اتحاد

جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، این کشورها می‌بایست میان بخش آموزش و شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدید هماهنگی و سازگاری بیشتری ایجاد می‌کردند. به‌رغم تلاش‌های گسترده برای انجام اصلاحات در نظام آموزشی، کشورهای آسیای مرکزی قادر نبودند استانداردهای لازم را برای توسعه فرهنگی فراهم نمایند (Giz, 2016)؛ بنابراین می‌توان بیان داشت که به‌رغم ظرفیت‌های بسیار بالای فرهنگی منطقه یک خلأ بزرگی در زمینه دینی و مذهبی در منطقه آسیای مرکزی مشاهده می‌شود که این مسئله آسیب‌پذیری آن‌ها در گرایش به اسلام اصیل و درست را به نمایش می‌گذارد. به همین دلیل زمینه مناسب برای گسترش اسلام‌گرایی افراطی در منطقه فراهم شده است.

عدم توسعه اجتماعی - فرهنگی به دو شیوه متفاوت بر روند گرایش به اسلام‌گرایی افراطی در آسیای میانه تأثیر گذاشته است: از یک طرف باعث ناکارآمد جلوه کردن دولت-ملی شده و روند حرکت‌های رادیکال - بنیادگرا را تسریع می‌بخشد و از طرف دیگر کشورهای آسیای میانه که با یک‌سری مشکلات جدی اجتماعی روبه‌رو هستند را دچار بروز و گسترش هویت‌یابی‌های قومی و ناسیونالیستی می‌کند و از سوی دیگر با توجه به مشکلات عدیده اجتماعی و فرهنگی موجود در منطقه در این کشورها این بار هویت‌یابی‌ها در راستای توجه به ساختارهای اجتماعی منطقه و ارزش‌های ملی و فرهنگی نبوده است؛ بلکه در راستای جهت‌گیری اسلام افراطی در منطقه حرکت کرده است؛ بنابراین بعد از آنکه ناسیونالیسم نتوانست خلأ فکری - معنوی موجود در آسیای مرکزی را پر نماید. گروه‌های بنیادگرای اسلامی توانستند با بهره‌گیری از متدهای تبلیغاتی قوی و دادن وعده‌ها در جهت بهبود کیفیت زندگی شهروندان منطقه در جذب مردم موفق عمل کنند؛ بنابراین می‌توان استدلال نمود که به‌رغم برخورداری منطقه از مؤلفه‌های بسیار غنی فرهنگی، اما بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این منطقه نتوانست به یک درک درست از توسعه فرهنگی برسد و این فقدان توسعه در بُعد فرهنگی زمینه برای گسترش گفتمان بنیادگرایی اسلامی را فراهم نمود.

چارچوب نظری: توسعه فرهنگی

در این میان، موضوع توسعه یکی از موضوعاتی است که نه تنها در حوزه جامعه‌شناسی توسعه، بلکه در بسیاری از حوزه‌های جامعه‌شناسی، به‌طور اخص و علوم اجتماعی، به‌طور اعم، مورد بحث قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان توسعه، مقوله توسعه را در برابر مقوله رشد قرار می‌دهند. مفهوم رشد به پیشرفت و ترقی جامعه در ابعاد مادی و عینی، به‌ویژه تولید اقتصادی، اشاره دارد، در حالی که مفهوم توسعه دربردارنده پیشرفت و ترقی جامعه در تمامی ابعاد زندگی است. از این رو، در ادبیات مربوط به توسعه از توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه انسانی سخن به میان می‌آید. صاحب‌نظران کلاسیک علوم اجتماعی چنین تصور می‌کردند که پیشرفت جامعه انسانی در گرو رشد و توسعه اقتصادی است، اما بعداً ملاحظه کردند که در کنار رشد و توسعه اقتصادی، جامعه نیازمند برخی ضروریات دیگر، از جمله توزیع عادلانه درآمدها، شکوفایی استعدادهای گوناگون و شخصیت انسانی، سلامت جسمانی و روانی، افزایش امید به زندگی، برقراری برابری‌های اجتماعی، تحقق آزادی، برقراری ارتباطات انسانی اجتماعی به‌دوراز انواع سلطه و به‌طور کلی، تحقق یک جامعه مدنی و انسانی است. از این رو، امروزه گفته می‌شود تمامی انواع توسعه وسایلی هستند برای تحقق یک جامعه مدنی و انسانی. چنین جامعه‌ای را می‌توان یک جامعه توسعه‌یافته در معنای واقعی آن به شمار آورد (بابایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۸).

مفهوم توسعه فرهنگی از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد از طرف یونسکو در مباحث توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار است و تأکید بیشتری بر نیازهای غیرمادی افراد جامعه دارد. براساس این توسعه، تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها پدید می‌آید، که قابلیت، باورها و شخصیت ویژه‌ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این قابلیت‌ها و باورها، رفتارها و کنش‌های مناسب توسعه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۸).

البته توسعه فرهنگی به معنای گسستن از سنت‌ها نیست؛ چراکه سنت‌ها انباشت و ذخیره‌ی تجارب گذشته یک جامعه است. پس توسعه فرهنگی را باید توسعه براساس گسترش سنت‌ها و تجارب گذشته دانست و نه نفی آن‌ها توسعه فراگردی است. تحقق اهداف هر جامعه نیاز به استفاده از تمام منابع مادی و انسانی آن جامعه دارد. مدیریت صحیح منابع انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل برای رسیدن به مطلوب‌های جامعه است. کشور ایران از گذشته‌های دور، سرزمین اقوام و مذاهب گوناگون بوده است. مردمانی با فرهنگ غنی که سال‌ها در کنار هم مسالمت‌آمیز زندگی کرده‌اند و جامعه‌ای با تنوع فرهنگی زیبا آفریده‌اند. با توجه به اینکه فرهنگ شامل دستاوردهای مادی و غیرمادی انسان‌ها است، می‌توان گفت که فرهنگ مجموعه‌ای از سنن، عادات، آداب و رسوم، عقاید و باورها و رفتارهای یک ملت است که به دو دسته مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود و از طریق آموختن منتقل می‌شود (احمدی، ۱۳۹۶: ۳-۹). در اصل فرهنگ یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه است و از این رو، توسعه فرهنگی، هم یکی از پیش‌شرط‌های بنیادی تحقق توسعه و هم یکی از آرمان‌های بنیادی توسعه در هر جامعه است؛ از همین رو بیش‌تر صاحب‌نظران توسعه، از جمله کارگزاران و مسئولان سازمان ملل متحد، تأکید خاصی بر فرهنگ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه دارند (بابایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۰).

باید توجه داشت که نمی‌توان تحقق توسعه اقتصادی را به معنای تحقق توسعه فرهنگی دانست؛ چراکه آنچه در توسعه فرهنگی مهم است، تحقیق در ابعاد متعدد و وجوه متکثر آن است و نه بُعد فرهنگی در توسعه (محمدتی، ۱۳۷۸: ۴۸-۴۴). امروزه فرهنگ در کنار ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌عنوان بُعد چهارم توسعه پایدار و حتی بعد مرکزی توسعه پایدار مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. طبق اظهار یونسکو فرهنگ در سطح جهان به‌عنوان یک توانمندساز و کمک‌کننده به توسعه پایدار محسوب می‌شود. مبنای توسعه حقیقی و پایدار توسعه فرهنگی است و به‌مثابه ریشه‌ای که درخت را تغذیه می‌کند؛ سایر ابعاد توسعه (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) نیز از این بُعد مهم تغذیه می‌شوند (تقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۴-۱۵۹).

ضروری بودن وجود تنوع فرهنگی برای توسعه پایدار به دو دلیل است. نخستین دلیل بقای انسان به عنوان وسیله وجود فرهنگی است. همزیستی فرهنگ‌های مختلف باعث می‌شود انسان‌ها بهتر قادر به وفق دادن خود با محیط شوند. همچنین برای اینکه فرهنگ خالقیت و حیات خویش را حفظ کند وجود فرهنگ‌های دیگر ضروری است. ایده‌های جدید از دیگر فرهنگ‌ها متولد می‌شوند و منشأ خالقیت فرهنگی در برخورد مداوم بین فرهنگ‌های متفاوت قرار دارد. همچنین به منظور تحقق بخشیدن مبادلات میان فرهنگی و بهسازی به عنوان پیش‌نیاز تنوع فرهنگی باید وجود داشته باشد. دلیل دوم تضمین امنیت و حفاظت از حقوق انسانی اقلیت‌ها است. فقدان درک متقابل میان کشورها به جنگ، درگیری و تروریسم منجر شده است. برای ایجاد صلح لازم است درک و تحمل متقابل بین فرهنگ‌ها وجود داشته باشد. اگر مردم تنوع فرهنگی را قبول و فرهنگ‌های دیگر را درک کنند این امر به جلوگیری از درگیری و ایجاد صلح کمک می‌کند. از سوی دیگر در یک کشور مردمی متعلق به فرهنگ‌هایی مانند مردم بومی، نژادهای اقلیت و مهاجران وجود دارد. پذیرش فرهنگ‌های مختلف، پذیرش راه زندگی، ارزش‌ها و زبان این مردم است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۴۴-۲۳).

مفهوم توسعه‌ی انسانی از دیگر مفاهیم محوری در مباحث مربوط به توسعه است. در گزارش سازمان ملل درباره‌ی توسعه‌ی انسانی گفته شده است «توسعه‌ی انسانی روندی است که طی آن امکانات افراد بشر افزایش می‌یابد» در این زمینه سه شاخص کلیدی طول عمر، سطح دانش و سطح معاش آبرومند به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌ی انسانی معرفی شده‌اند و گفته شده است با تأمین سه مؤلفه‌ی مذکور در یک جامعه، می‌توان گفت آن جامعه به توسعه‌ی انسانی دست یافته است. شاخص توسعه‌ی انسانی نتیجه‌ی کوششی است به منظور رها کردن دیدگاه توسعه‌ی تولیدمدار و جایگزین کردن دیدگاه دیگری که انسان‌مدار است (بابایی فرد، ۱۳۸۹: ۱۰).

جمع‌بندی چارچوب نظری

بررسی مبانی نظری نشان می‌دهند که عواملی از جمله شاخص هزینه‌های آموزشی، شاخص توسعه انسانی، نادیده گرفتن ارزش‌های فرهنگی و دینی، تأکید صرف بر

ارزش‌های ملی، ترویج سکولاریزم، تقابل میان سنت و مدرنیته و فقدان برقراری ارتباطات انسانی اجتماعی به‌دوراز انواع سلطه در گرایش مردم منطقه به گروه‌های افراطی تأثیرات فراوانی داشته‌اند؛ چراکه مشکلات و نارسایی‌های فرهنگی، پیشینه تاریخی ملت‌های ساکن منطقه و موقعیت مناسب جغرافیایی برخی از مناطق واقع در آسیای مرکزی جهت انجام فعالیت‌های افراطی مذهبی باعث توسعه رادیکالیسم مذهبی در این منطقه شده است. با عنایت به عوامل فوق‌بسیاری از تحلیلگران رشد اسلام‌گرایی افراطی در منطقه را بیش از آنکه نتیجه و محصول تبلیغات هیأت‌های خارجی بدانند ناشی از شرایط اجتماعی و فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی قلمداد می‌کنند؛ بنابراین می‌توان در تحلیل نهایی بیان داشت که فقدان عدم توسعه فرهنگی و اجتماعی منطقه در ابعاد کلی آن سبب شده است تا در چنین وضعیتی ایدئولوژی اسلامی که آدمیان را نه از روی منسوبیت قومی‌شان، بلکه همچون قوه متحدکننده‌ای عمل می‌کند در کشورهای آسیای میانه با استقبال روبرو شده و همچون واسطه به تنظیم درآوردن مناسبات بین اقوام گردید؛ بنابراین به‌مرور زمان جنبش‌های اسلامی کم‌کم رنگ ملی خود را از دست داده و بیشتر جهت‌گیری اسلامی به خود گرفتند. شرایط فرهنگی و اجتماعی رو به وخامت در منطقه آسیای مرکزی و ناتوانی دولتمردان این منطقه در جهت رفع این مشکلات به همراه، سرکوب شدید به تقویت روند اسلام‌گرایی در منطقه افزود. این شرایط در آسیای مرکزی وضعیتی را پدید آورده که در آن گروه‌های بنیادگرای اسلامی توانستند با تبلیغات چندلایه و گسترده در میان مردم سرخورده و مورد تبعیض قرار گرفته منطقه را جذب کنند.

سؤالات کلی و جزئی

سؤال کلی

آیا بین شاخص‌های توسعه فرهنگی و گرایش به اسلام‌گرایی افراطی در آسیای مرکزی

تفاوت وجود دارد؟

سؤال‌های جزئی

- آیا بین شاخص نوآوری کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت وجود دارد؟
- آیا بین شاخص آموزش کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت وجود دارد؟
- آیا بین شاخص توسعه انسانی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت وجود دارد؟
- آیا بین شاخص هزینه‌های آموزشی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت وجود دارد؟

فرضیه کلی و جزئی

فرضیه کلی

بین شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های جزئی

- بین شاخص نوآوری کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین شاخص آموزش کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین شاخص توسعه انسانی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین شاخص هزینه‌های آموزشی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی و از نوع مقایسه‌ای قلمداد می‌گردد؛ بنابراین داده‌های پژوهش با استفاده از روش کمی و از نوع تحلیل ثانویه و نیز پرسشنامه معکوس با رجوع به آمار و ارقام شاخص‌های توسعه فرهنگی (شاخص هزینه‌های آموزشی، شاخص توسعه انسانی، امتیاز شاخص آموزشی و امتیاز شاخص نوآوری) منتشر شده در سایت مؤسسه مطالعات بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵) در رابطه با کشورهای مورد بررسی آسیای میانه، یعنی قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده، گردآوری شده است. به این ترتیب که پس از احصاء داده‌های مرتبط با نرخ و رتبه‌بندی شاخص‌های مختلف توسعه فرهنگی پنج کشور مورد بررسی مشترک‌المنافع در مقیاس جهانی، نرخ شاخص‌های مختلف فرهنگی در میان پنج کشور نیز از حیث میزان برخورداری از کد ۱ (بهترین رتبه) تا کد ۵ (بدترین رتبه) رتبه‌بندی شدند. داده‌های استخراج‌شده به نرم‌افزار SPSS18 منتقل و در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. علاوه بر آن؛ به‌منظور اعتبارسنجی ابزار از اعتبار محتوایی صوری کیفی و جهت پایایی سنجی ابزار از قابلیت تکرارپذیری به‌واسطه استفاده از ضریب پایایی استفاده شده است که میزان آن بالای ۰/۸ برآورد شده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی به شرح زیر ارائه می‌شوند:

الف) تحلیل توصیفی

۱. تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای آسیای مرکزی
جدول (۱) توزیع فراوانی تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه را نشان می‌دهد:

جدول ۱- توزیع فراوانی تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای آسیای مرکزی

کشورها	فراوانی	درصد فراوانی
قرقیزستان	۱۰۰	۷/۱
تاجیکستان	۱۹۰	۱۳/۶
قزاقستان	۲۵۰	۱۷/۹
ترکمنستان	۳۶۰	۲۵/۷
ازبکستان	۵۰۰	۳۵/۷
تعداد کل	۱۴۰۰	۱۰۰/۰
نما: ۵ (ازبکستان)		

همان گونه که توزیع فراوانی جدول (۱) نیز نشان می دهد؛ تعداد جنگجویان گروه داعش از مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه به ترتیب: قرقیزستان با ۷/۱ درصد، تاجیکستان با ۱۳/۶ درصد، قزاقستان ۱۷/۹ درصد، ترکمنستان با ۲۵/۷ درصد و ازبکستان با ۳۵/۷ درصد بوده است. همان گونه که آماره نما نیز نشان می دهد؛ کشور ازبکستان بیشترین تعداد جنگجو در گروه داعش را در میان پنج کشور مورد بررسی دارد.

۲. شاخص های توسعه فرهنگی

جدول (۲) توزیع شاخص های توسعه فرهنگی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه را که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده است را نشان می دهد:

جدول ۲- توزیع شاخص‌های توسعه فرهنگی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه در

عضوگیری گروه داعش^۱

تاجیکستان			قرقیزستان			ترکمنستان			ازبکستان			قزاقستان			شاخص‌های توسعه فرهنگی
رتبه		نرخ	رتبه		نرخ	رتبه		نرخ	رتبه		نرخ	رتبه		نرخ	
در میان ۵ کشور	جهانی		در میان ۵ کشور	جهانی		در میان ۵ کشور	جهانی		در میان ۵ کشور	جهانی		در میان ۵ کشور	جهانی		
۲	-	۳/۹۰	۱	-	۶/۸۰	-	-	-	-	-	-	۳	-	۳/۱۰	
۴	۱۱۳	متوسط	۵	۱۲۵	متوسط	۲	۱۰۳	متوسط	۳	۱۱۶	متوسط	۱	۷۰	بالا	شاخص توسعه انسانی
۴	۱۳۳	۰/۶۳۹	۴	۱۳۳	۰/۶۵۶	۲	۱۰۳	۰/۶۷۹	۳	۱۱۶	۰/۶۵۱	۱	۷۰	۰/۷۶۲	امتیاز شاخص آموزشی
۴	۹۶	۵۶/۴۹	۳	۹۳	۵۸/۵۸	-	-	-	۲	۹۰	۵۹/۷۱	۱	۸۳	۳۲/۸	امتیاز شاخص نوآوری

همان‌گونه که توزیع شاخص‌های توسعه فرهنگی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده است (جدول ۲)؛ نشان می‌دهند:

الف) کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص هزینه‌های آموزشی را برحسب تولید ناخالص ملی کشورهايشان در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ب) کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص توسعه انسانی را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ج) کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان قرقیزستان مشترکاً به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص آموزش را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش از حیث شاخص آموزشی دارند.

۱. داده‌ها براساس موسسه مطالعات امور بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵).

د) کشورهای قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص نوآوری را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ب) تحلیل استنباطی داده‌ها:

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، از نوع تحلیل دومتغیره و از نوع تحلیل مقایسه‌ای (آزمون تفاوت معناداری) استفاده شده است:^۱

الف) آزمون فرضیه کلی پژوهش:

- بین شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳- توزیع رتبه امتیاز شاخص کل توسعه فرهنگی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش

رتبه	کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش	آزمون کروسکال والیس			
		تعداد جنگجویان	میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو	df
رتبه امتیاز مؤلفه توسعه فرهنگی	قرقیزستان	۱۰۰	۲۴۰/۵۰	۵۳۹/۰۰۰	۲
	تاجیکستان	۱۹۰	۹۵/۵۰		
	قزاقستان	۲۵۰	۴۱۵/۵۰		
	نمونه کل	۵۴۰			
					۰/۰۰۰

۱. باید خاطر نشان ساخت که با توجه به رتبه‌ای بودن داده‌های استخراج شده از برآورد نرمال و غیرنرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری نظیر آزمون کلموگروف- اسمیرنوف تک نمونه‌ای برای انتخاب نوع آزمون آماری مقتضی کمی (پارامتریک) و کیفی (ناپارامتریک) خودداری می‌شود؛ بنابراین از آزمون‌های ناپارامتریک (کیفی) نظیر آزمون‌های کروسکال والیس و آزمون فریدمن برای تحلیل مقایسه‌ای استفاده می‌شود.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۳، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه امتیاز توسعه فرهنگی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. به این ترتیب که کشورهای قزاقستان، قرقیزستان به ترتیب بیشترین و کشور تاجیکستان به ترتیب کمترین رتبه امتیاز مؤلفه توسعه فرهنگی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد؛ تأیید می‌گردد.

(ب) آزمون فرضیه‌های جزئی تحقیق:

۱. بین شاخص هزینه‌های آموزشی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴- توزیع رتبه شاخص هزینه‌های آموزشی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش

آزمون کروسکال والیس					کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش	شاخص هزینه‌های آموزشی
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه‌ها	تعداد جنگجویان		
۰/۰۰۰	۲	۵۳۹/۰۰۰	۴۹۰/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان	
			۳۴۵/۵۰	۱۹۰	تاجیکستان	
			۱۲۵/۵۰	۲۵۰	قزاقستان	
				۵۴۰	نمونه کل	

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۴، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه شاخص هزینه‌های آموزشی برحسب تعداد

جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. به این ترتیب که کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین و کشور قزاقستان به ترتیب کمترین رتبه شاخص هزینه‌های آموزشی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند؛ بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این شاخص تأیید می‌گردد.

۲. بین شاخص توسعه انسانی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵- توزیع رتبه شاخص توسعه انسانی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش

شاخص	کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش	آزمون کروسکال والیس		
		تعداد جنگجویان	میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو
df	sig			
شاخص توسعه انسانی	قرقیزستان	۱۰۰	۵۰/۵۰	۱۳۹۹/۰۰۰
	تاجیکستان	۱۹۰	۱۹۵/۵۰	
	قزاقستان	۲۵۰	۱۲۷۵/۵۰	
	ترکمنستان	۳۶۰	۹۷۰/۵۰	
	ازبکستان	۵۰۰	۵۴۰/۵۰	
	نمونه کل	۱۴۰۰		
۴	۰/۰۰۰			

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۵، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه شاخص توسعه انسانی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان به ترتیب بیشترین و کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب کمترین رتبه شاخص توسعه انسانی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند؛ بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این شاخص تأیید می‌گردد.

۳. بین شاخص آموزش کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶- توزیع رتبه شاخص آموزشی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش

آزمون کروسکال والیس					کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش	شاخص
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه‌ها	تعداد جنگجویان		
۰/۰۰۰	۴	۱۳۹۹/۰۰۰	۱۴۵/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان	شاخص آموزشی
			۱۴۵/۵۰	۱۹۰	تاجیکستان	
			۱۲۷۵/۵۰	۲۵۰	قزاقستان	
			۹۷۰/۵۰	۳۶۰	ترکمنستان	
			۵۴۰/۵۰	۵۰۰	ازبکستان	
				۱۴۰۰	نمونه کل	

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۶، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه شاخص آموزشی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. به این ترتیب که کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان به ترتیب بیشترین و کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان مشترکاً کمترین رتبه شاخص آموزشی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند؛ بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این شاخص تأیید می‌گردد.

۴

. بین شاخص نوآوری کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۷ - توزیع رتبه شاخص نوآوری برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش

آزمون کروسکال والیس				تعداد جنگجویان	رتبه‌ها	مقدار کی دو	df	sig	شاخص	کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش
				۱۹۰	۹۵/۵۰	تاجیکستان				
				۲۵۰	۹۱۵/۵۰	قزاقستان				
				۵۰۰	۵۴۰/۵۰	ازبکستان				
				۱۰۴۰		نمونه کل				

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۷، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه شاخص نوآوری برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. به این ترتیب که کشورهای قزاقستان، ازبکستان به ترتیب بیشترین و کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان به ترتیب کمترین رتبه شاخص نوآوری را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند؛ بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این شاخص تأیید می‌گردد.

۵. بین اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه برحسب شاخص‌های توسعه فرهنگی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸ - اولویت‌بندی گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه

برحسب شاخص‌های توسعه فرهنگی

اولویت	میانگین رتبه‌ها	شاخص‌های توسعه فرهنگی	ردیف
۱	۲/۶۱	هزینه‌های آموزشی	۱
۴	۲/۲۸	توسعه انسانی	۲
۳	۲/۴۶	شاخص آموزش	۳
۲	۲/۵۶	شاخص نوآوری	۴

ادامه جدول ۸- نتایج آزمون فریدمن

نتایج فریدمن	آزمون فریدمن
۴۰/۸۷۹	مقدار کی دو
۳	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۵۴۰	تعداد مشاهدات معتبر

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد؛ تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ در اولویت‌گرایی به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه برحسب شاخص‌های توسعه فرهنگی وجود دارد. به این ترتیب که اولویت‌گرایی به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه در رابطه با شاخص‌های توسعه فرهنگی به ترتیب: شاخص‌های هزینه‌های آموزشی با میانگین رتبه ۲/۶۱، نوآوری با میانگین رتبه ۲/۵۶، شاخص آموزش با میانگین رتبه ۲/۴۶ و توسعه انسانی با میانگین رتبه ۲/۲۸ بوده است؛ بنابراین می‌توان چنین گفت که شاخص هزینه‌های آموزشی بیشترین نقش و شاخص توسعه انسانی کمترین نقش را در گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه در رابطه با مؤلفه توسعه فرهنگی داشته است؛ بنابراین با توجه به یافته‌های تحقیق، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین اولویت‌گرایی به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه برحسب شاخص‌های توسعه فرهنگی تفاوت معناداری وجود دارد؛ تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که متن حاضر نیز نشان داد، مقاله حاضر درصدد بررسی و مقایسه شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه عضو گروه اسلام‌گرایی افراطی (مورد مطالعه: گرایش به داعش) بود؛ بنابراین پس از توصیف و تبیین نظری موضوع در بخش تجربی، ابتدا داده‌های مرتبط با شاخص‌های توسعه فرهنگی مرتبط با کشورهای آسیای

میانه مورد بررسی (پنج کشور مشترک المنافع قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان) از سایت مؤسسه مطالعات بین الملل فنلاند (۲۰۱۵) استخراج و مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های تحقیق حاضر در بخش تحلیل توصیفی نشان داد که از میان پنج کشور مورد بررسی، کشورهای ازبکستان با ۳۵٫۷ درصد، ترکمنستان با ۲۵٫۷ درصد، قزاقستان با ۱۷٫۹ درصد، تاجیکستان با ۱۳٫۶ درصد، قرقیزستان با ۷٫۱ درصد به ترتیب: بیشترین تا کمترین تعداد جنگجو را در گروه داعش داشتند. همچنین کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص هزینه‌های آموزشی، کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص توسعه انسانی، کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان قرقیزستان مشترکاً به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص آموزش و در نهایت کشورهای قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص نوآوری را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش داشتند.

علاوه بر آن، یافته‌های تحقیق حاضر در بخش تحلیل استنباطی مشخص گردید که تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ بین توسعه فرهنگی کشورهای مشترک المنافع عضو گروه داعش وجود دارد؛ به این ترتیب که کشورهای قزاقستان، قرقیزستان به ترتیب بیشترین و کشور تاجیکستان به ترتیب کمترین رتبه امتیاز توسعه فرهنگی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند.

علاوه بر این، تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ در اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه برحسب شاخص‌های توسعه فرهنگی مشاهده شده است؛ بنابراین می‌توان چنین گفت که شاخص هزینه‌های آموزشی بیشترین نقش و شاخص توسعه انسانی کمترین نقش را در گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه در رابطه با مؤلفه توسعه فرهنگی داشته است.

بنابراین با توجه به تبیین نظری و تبیین تجربی پژوهش حاضر می‌توان چنین گفت که پس از فروپاشی ایدئولوژی کمونیستی انترناسیونالیزم و سیاست ملی وابسته به آن که تا اندازه‌ای منافع اقوام مستقر در کشورهای آسیای مرکزی، در دوران شوروی را به نظام درآورد، جوامع دارای کثرت قومی مسلمان از چنین تنظیم‌گری مهمی بی‌نصیب ماندند. توسعه نامتوازن حاکم بر کشورهای مشترک‌المنافع در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پس از فروپاشی شوروی خود را به وضوح نشان داده است و لذا ضعف‌های توسعه‌ای آن در ابعاد مختلف نتوانست پاسخگوی نیازهای شهروندان و جامعه باشد؛ بنابراین دلیل پایین بودن شاخص‌های توسعه فرهنگی همچون هزینه‌های آموزشی، شاخص توسعه انسانی، امتیاز شاخص آموزشی و امتیاز شاخص نوآوری، ایدئولوژی اسلامی که آدمیان را نه از روی رابطه قومی، بلکه همچون قوه متحدکننده‌ای عمل می‌کند در کشورهای آسیای مرکزی با استقبال روبرو شده و همچون واسطه به تنظیم درآوردن مناسبات بین اقوام گردید. این شرایط در آسیای مرکزی وضعیتی را پدید آورده که در آن گروه‌های افراط‌گرایی مذهبی توانستند با تبلیغات چندلایه و گسترده در میان مردم سرخورده و مورد تبعیض قرار گرفته منطقه را جذب کنند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- احمدی، ا. (۱۳۹۶)، «فرهنگ، سیاست‌گذاری فرهنگی و توسعه پایدار: شناخت روابط و الزامات»، دانشگاه کردستان، اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای؛ رویکردها و راهکارها.
- آزاد ارمکی، تقی؛ مبارکی، مهدی و شهبازی، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی)، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، سال اول، شماره اول.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی توسعه*، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- بابایی‌فرد، اسدالله (۱۳۸۹)، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۱۰، شماره ۳۷.
- پناهی، حسین (۱۳۹۴)، توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۲۲.
- تقی‌زاده، آ و دیگران (۱۳۹۰)، «نقش به‌کارگیری مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی مدیران در ارتقای سطح مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۴.
- دهشیری، م.ر. (۱۳۹۳)، «جایگاه هم‌افزایی فرهنگی در توسعه اجتماعی کشور»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، شماره ۲.
- زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۶)، *توسعه و نابرابری*، تهران: نشر مازیار.
- عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۱)، *نگاه استراتژیک روسیه به جنوب، کتاب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS)*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، معاونت پژوهشی، چاپ اول.
- عزیزخانی، احمد، (۱۳۸۸)، بررسی شاخص‌های بنیادگرایی مسیحی در آمریکا (بر مبنای اندیشه‌های لئو اشتروس)، *فصلنامه دین و سیاست*، شماره ۲۰-۱۹، صص ۸۸-۶۱.
- موسوی (۱۳۹۹)، تبیین سیاست‌گذاری مناسب با مؤلفه‌های فرهنگی-تاریخی ایران در آسیای مرکزی در مقابله با تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی، *پایان‌نامه دکترای*، رشته علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
- نظریور، محمدتقی (۱۳۷۸)، *ارزش‌ها و توسعه*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب. منابع انگلیسی

- Andrew, Philip & Paul, James (2013), "National Identity between Tradition and Reflexive Modernization: The Contradictions of Central Asia. Retrieved, (available at: https://www.academia.edu/2832538/National_Identity_between_Tradition_and_Reflexive_Modernisation_in_Central_Asia), (Accessed on: 26/7/2017)
- Diyanet, Mohsen and Others (2019), "A Study and Comparison of the Role of Social Development Indicators in Tendency to Extreme Islam in Central Asia", *Central Eurasia Studies*, Vol. 12, No. 1, pp.101-140 [in Persian].
- Fuller E. Graham, 2013 'Central Asia: The New Geopolitics', National Defense Research Institute, RAND, (available at: <https://www.amazon.com/Central-Asia-Geopolitics-Graham-Fuller/dp/0833012711>), (Accessed on: 15/5/2018)
- Han-Woo Choi, Geo-Cultural Identity of the Western Turkestan, Handong University. (Available at: <http://www.iacd.or.kr/pdf/journal/08/8-01.pdf>), (Accessed on: 13/9/2019)
- Kulnazarov, R. (2015). New Geopolitical Role of Central Asia within Foreign Policy Interests of World Powers. *Asian Social Science*, 11, 125-130.(available at: <http://www.ccsenet.org/journal/index.php/ass/article/view/42171>), (Accessed on: 14/5/2019)
- Lakatos, A. & Kosztur, A. (2017). Global Politics, Regional Competition: Great Power Politics in Central Asia. *Hiperboreea*(1), 61-76. (available at: <https://www.jstor.org/stable/10.5325/hiperboreea.4.1.0061?seq=1>), (Accessed on: 25/6/2019)
- Leonid Grinin and A. Korotayev, Islamism and its Role on Modern Islamic Societies: World System and World Values Perspectives, 2019, p. 61-62. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/327917762>, (Accessed on: 23/7/2019)
- Pomfret, Richard 2013 "Central Asia since 1991: the experience of the new independence states, available at: <https://econpapers.repec.org/paper/oecdevaaa/212-en.htm>, (Accessed on: 2/7/2018), (Accessed on: 12/1/2016)
- SUCU, A. E. (2017). The Importance of Russian Military Presence in Central Asia for Russia's Regional Security. *Annual Conference on Eurasian Politics and Society* (pp. 125-138). Kabul: The Academic Elegance, (available at: https://www.academia.edu/33884667/The_Importance_of_Russian_Military_Presence_in_Central_Asia_for_the_Regional_Security_of_Russia), (Accessed on: 12/10/2018)

ج. منابع روسی

- САНКТ-ПЕТЕРБУРГСКИЙ ГОСУДАРСТВЕННЫЙ УНИВЕРСИТЕТ, (2017) История Центральной Азии, ВОСТОЧНЫЙ ФАКУЛЬТЕТ, <https://orient.spbu.ru/images/buklet/bakalavr/2017/Buklet-Centr-Asii-2017.pdf>

- Еркин Байдаров(2017) Интеграция в Центральной Азии: Культурно-цивилизационные основы, Международное информационное агентство «Фергана», <https://www.fergananews.com/articles/9455>
- Каримов И. А. Наша цель: Свободная и процветающая родина. — Ташкент: Узбекистан, 1996г.
- Мисрбекова Махлиё Мисрбек кизи, (2016) Культурные, архитектурные памятники в Узбекистане, IV международная научная конференция «Исторические исследования» (Казань, май 2016), <https://moluch.ru/conf/hist/archive/169/10275/>.
- Алмаз Абилдаев, (2020) Гарант энергетической безопасности Центральной Азии, «Энергетические аспекты Казахстана», <https://www.kazpravda.kz/fresh/view/garant-energeticheskoi-bezopasnosti-tsentralnoi-azii>, pp: 2-9.
- Ольга АБИШЕВА,(2014) ЦЕНТРАЛЬНАЯ АЗИЯ КАК ЕДИНОЕ КУЛЬТУРНОЕ ПРОСТРАНСТВО, Тэги: Антология UZ, <http://www.uzlit.net/ru/26875>

